

کتاب سینمای ملی

فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان سینمایی و با حضور متخصصان فن تشکیل شود. این نهاد، باید به عنوان یک اتاق فکر و مرکز سیاست‌گذاری، وظیفه تبیین سیاست‌های کلی سینما، نیازسنجی دقیق از جامعه و ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف را بر عهده داشته باشد.

و طبیعتاً این نهاد بالادستی باید به تمامی موضوعات مهم و مرتبط با جامعه، از جمله مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی توجه داشته باشد و از تمرکز بیش‌ازحد بر موضوعی خاص و غفلت از سایر موضوعات جلوگیری کند. به‌عنوان مثال، درحالی‌که پرداختن به موضوعات مربوط به دفاع‌مقدس از اهمیت بالایی برخوردار است، نباید از پرداختن به مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه غافل شد.

علاوه بر این، باید از تجربیات موفق سایر کشورها در زمینه توسعه سینمای ملی بهره برد و با همکاری استادان برجسته دانشگاهی در رشته‌های مختلف، هنرمندان متعدد و متخصص، نهادهای فرهنگی و اجرایی، اساسنامه و چارچوبی مشخص و جامع برای فعالیت‌های سینمایی تدوین کرد. این اساسنامه، باید به تعیین اهداف و ارزش‌های سینمای ملی، تعیین استانداردهای کیفی، حمایت از تولید آثار ارزشمند و ترویج فرهنگ سینمایی در جامعه بپردازد و مدیران سینمایی ادوار مختلف فقط وظیفه اجرای دقیق این برنامه جامع را بر عهده داشته باشند.

زمانی: بازآفرینی فضای دفاع‌مقدس در حوزه‌های اجتماعی؛ اگر بتوانیم فضای سینمای ژانر دفاع‌مقدس را در حوزه‌های اجتماعی بازتولید کنیم - یعنی هنرمندان را به بدنه جامعه بفرستیم تا درگیر مسائل آن شوند و فرم خاص خود را تولید کنند - به آن فیلم‌های ارزشمندی که در



ناکارآمدی و ناهماهنگی در این نهاد‌ها شده است.

❖ وا حمایت نکردن از هنرمندان؛ بسیاری از هنرمندان و فیلمسازان مستقل، از عدم حمایت دولت و نهاد‌های خصوصی گلایه دارند. این امر، موجب دلسردی و مهاجرت نخبگان سینمایی شده است.

❖ **راهکارها و پیشنهادها، ترسیم مسیر تعالی برای سینمای ملی**

زهرایی؛ به‌منظور احیای سینمای ملی و ارتقای جایگاه آن در جامعه، پیشنهاد می‌شود نهادی بالادستی با مسئولیت مستقیم وزارت

تہاجم فرهنگی باشد. برای این‌که فیلمسازان بتوانند فیلم‌هایی تولید کنند که مورد استقبال قرار گیرد باید با نیازها و دغدغه‌های مخاطب آشنا باشد. باید با زبانی که جوانان آن را درک می‌کنند، محتوایی درخور فهم آنها ارائه شود.

عالمی؛ برای برون‌رفت از وضعیت فعلی و تقویت سینمای ملی، لازم است راهکارهای عملی و مبتنی بر واقعیت اتخاذ شود. در این راستا، پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

❖ تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی جامع و بلندمدت؛ دولت باید با همکاری متخصصان و صاحب‌نظران سینمایی، سیاست‌های فرهنگی جامع و بلندمدتی را تدوین و اجرا کند که بتواند از تولید و ترویج آثار سینمایی با هویت ملی حمایت کند. این سیاست‌ها، باید شامل حمایت مالی، تسهیلات اداری و ایجاد فرصت‌های آموزشی و پژوهشی برای هنرمندان باشد.

❖ ایجاد تنوع در مضامین و ژانرها؛ باید از تولید فیلم‌هایی با مضامین و ژانرهای متنوع حمایت شود تا سلاقی مختلف مخاطبان را پوشش دهد. سینمای ملی، نباید محدود به موضوعات خاصی باشد و باید به تمام مسائل و دغدغه‌های جامعه بپردازد.

❖ تقویت ارتباط بین سینما و جامعه؛ باید ارتباط بین سینما و جامعه تقویت شود. برای این منظور، لازم است فیلمسازان با نیازها و دغدغه‌های مردم آشنا شوند و فیلم‌هایی تولید کنند که با زندگی آنها ارتباط داشته باشد. همچنین،

باید با برگزاری نشست‌ها، کارگاه‌ها و نمایشگاه‌ها، زمینه را برای تعامل بین هنرمندان و مخاطبان فراهم کرد.

❖ حمایت از هنرمندان مستقل؛ دولت و نهاد‌های خصوصی باید از هنرمندان مستقل و خلاق حمایت کنند و به آنها فرصت دهند آثاری نوآورانه و باکیفیت تولید کنند. برای این منظور، لازم است با ایجاد سازوکارهای حمایتی مناسب از طریق اعطای وام، جوایز و تسهیلات، از هنرمندان حمایت شود.

❖ اصلاح ساختارهای سینمایی؛ باید با اصلاح سازمان سینمایی و سایر نهاد‌های متولی سینما، ساختارهای ناکارآمد آنها تغییر کند. برای این منظور، لازم است از نظرات متخصصان و صاحب‌نظران سینمایی استفاده شود و با ایجاد شفافیت و پاسخگویی، زمینه را برای بهبود عملکرد این نهاد‌ها فراهم کرد.

❖ بازنگری در تعریف سینمای ملی؛ لازم است تعریف جدیدی از سینمای ملی ارائه شود که جامع و فراگیر باشد و تمام آثار سینمایی که به بازنمایی هویت و فرهنگ ایرانی می‌پردازند، در برگیرد. این تعریف، باید بر پایه ارزش‌های انسانی، اخلاقی و فرهنگی استوار باشد و از هرگونه تعصب و تبعیض دوری کند.

❖ **لزوم تغییر نگرش از سینمای دولتی تا سینمای مردمی**

زهرایی؛ برای دستیابی به یک سینمای ملی مطلوب و کارآمد، ایجاد یک تغییر اساسی در نگرش‌ها و رویکرد‌ها نسبت به سینما امری ضروری است. باید با اعمال سلیقه‌های شخصی و رویکرد‌های جناحی در فرآیند تولید و توزیع فیلم‌ها پرهیز کرد و با درک عمیق از هنر سینما و زبان خاص آن، به تولید آثاری پرداخت که دغدغه‌های واقعی جامعه را به تصویر بکشند و به‌دور از هرگونه آزمون و خطا به ارائه راهکارهای علمی و عملی برای حل مشکلات و چالش‌های پیش‌روی مردم بپردازند.

توجه ویژه به مخاطبان جوان، به‌عنوان آینده‌سازان کشور، از اهمیت بسزایی برخوردار است. باید فیلم‌هایی تولید کرد که با نیازها، خواسته‌ها و دغدغه‌های این نسل سازگار باشد و بتواند ارتباط عمیق و معناداری با آنها برقرار کند. به‌عنوان مثال، فیلم‌های دفاع مقدسی که برای نسل جوان ساخته می‌شوند، باید با زبان امروزی و با توجه به مسائل و چالش‌های این نسل بازآفرینی شوند تا بتوانند تأثیرگذار باشند و ارزش‌های والای انسانی را به نسل‌های بعدی منتقل کنند.

علاوه بر این، باید از تحمیل دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌های خاص به فیلم‌سازان خودداری کرد و به آنها اجازه داد تا با آزادی و خلاقیت کامل، به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود بپردازند. هنر و اساسا سینما، زمانی می‌تواند به‌عنوان یک رسانه مؤثر و کارآمد در خدمت جامعه قرار گیرد که از آزادی بیان و

اندیشه برخوردار باشد.

زمانی: تأکید بر منافع ملی به جای منافع جناحی؛ سینما باید در خدمت منافع ملی و اهداف کلان کشور باشد، نه در خدمت منافع یک جناح سیاسی یا گروه خاص. این به معنای پرهیز از سیاسی‌کاری، تبلیغات حزبی و دامن زدن به اختلافات داخلی است. سینما باید به‌عنوان یک عامل وحدت و انسجام ملی عمل کند و به تقویت هویت و همبستگی ملی کمک کند. این سینما باید صدای بلند مردم باشد و مشکلات ملت، آینده ملت و چگونگی حرکت به سمت آینده‌ای مطلوب را بیان کند.

مخاطب محوری به جای ارگان محوری؛ یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تغییر نگرش، انتقال تمرکز از نهاد‌های دولتی و سازمان‌های خاص به سمت مخاطبان است. سینما باید به نیازها، خواسته‌ها و سلیقه‌های مخاطبان توجه کند و فیلم‌هایی تولید کند که برای آنها جذاب، معنادار و الهام‌بخش باشد.

این به معنای پرهیز از فیلم‌های سفارشی، شعاری و تبلیغاتی است که مخاطبان را نادیده می‌گیرند و به آنها بی‌احترامی می‌کنند. اگر فیلمی برای مردم ساخته نشود، محکوم به فنا است.

هنر به‌عنوان صدای مردم؛ در این بخش تأکید بر لزوم دور شدن از نگاه‌های محدودکننده و حرکت به‌سوی سینمایی که صدای واقعی مردم باشد، است. این صدا نباید در خدمت تبلیغات گروه‌های خاص قرار گیرد بلکه باید منعکس‌کننده دغدغه‌ها و امیدهای جامعه باشد. درواقع، هنر و به‌طور خاص سینما، باید به ابزاری برای بیان واقعیت‌ها و چالش‌های جامعه تبدیل شود و درعین حال، راهکارهایی برای بهبود شرایط ارائه دهد. اگر این‌گونه نباشد، هنر از اصالت خود دور شده و تبدیل به ابزاری برای ترویج دیدگاه‌های خاص و تحریف واقعیت‌ها می‌شود.

پرهیز از سانسورهای بی‌مورد و نگاه‌های سلیقه‌ای؛ یکی دیگر از موانع اصلی شکل‌گیری سینمای مردمی، وجود سانسورهای بی‌مورد و اعمال نظراتی سلیقه‌ای است. این محدودیت‌ها باعث می‌شوند که هنرمندان نتوانند به آزادی کامل به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود بپردازند و فیلم‌هایی تولید کنند که واقعیت‌های جامعه را به‌درستی بازتاب دهند. برای شکوفایی سینمای مردمی، باید فضایی باز و آزاد ایجاد شود که هنرمندان بتوانند بدون ترس از سانسور و تعقیب، به تولید آثار خلاقانه و نوآورانه بپردازند. هنر زمانی می‌تواند به‌عنوان یک رسانه مؤثر و کارآمد در خدمت جامعه قرار گیرد که از آزادی بیان و اندیشه برخوردار باشد.

پذیرش سلیقه مخاطب فعال؛ در این قسمت، نقش مخاطب به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری سینمای ملی برجسته می‌شود. مخاطب دیگر صرفاً یک تماشاگر نیست بلکه فردی فعال و آگاه است که با سلیقه و دانش خود، می‌تواند جهت‌گیری سینما را تغییر دهد. اگر سینماگران به جای تمرکز بر خواسته‌های ارگان‌ها و نهاد‌های خاص، به سلیقه و نیازهای مخاطبان توجه کنند، می‌توانند آثاری تولید کنند که مورد استقبال قرار گیرند و به رونق سینما کمک کنند.

اعتماد به توانمندی‌های داخلی؛ در نهایت، برای توسعه سینمای مردمی، باید به توانمندی‌های داخلی اعتماد کرد و از تقلید کورکورانه از سینمای دیگر کشورها پرهیز کرد. هنرمندان ایرانی باید باتکیه بر فرهنگ، تاریخ و ارزش‌های خود، به تولید آثاری بپردازند که هویت ملی را بازتاب دهند و به توسعه و پیشرفت کشور کمک کنند.

استعدادهای فراوان و ظرفیت‌های بالقوه، می‌تواند به یکی از قطب‌های مهم سینمای جهان تبدیل شود، به شرطی که از پتانسیل‌های خود به‌درستی استفاده کند و به مردم خود اعتماد کند.

سید علی ماه: توسعه سینمای ملی مستلزم یک تغییر نگرش اساسی در بین متصدیان، مسئولان و مخاطبان است. این تغییر نگرش باید بر محوریت مردم و منافع ملی استوار باشد و از نگاه‌های نخبه‌گرایانه و سفارشی پرهیز کند. سینما باید در خدمت منافع ملی و اهداف کلان کشور باشد، نه در خدمت منافع یک گروه یا جناح خاص. این به معنای پرهیز از سیاسی‌کاری، تبلیغات حزبی و دامن زدن به اختلافات داخلی است. سینما باید به‌عنوان یک عامل وحدت و انسجام ملی عمل کند و به تقویت هویت و همبستگی ملی کمک کند.

سینما باید به نیازها، خواسته‌ها و سلیقه‌های مخاطبان توجه کند و فیلم‌هایی تولید کند که برای آنها جذاب، معنادار و الهام‌بخش باشد این

به معنای پرهیز از فیلم‌های سفارشی، شعاری و تبلیغاتی است که مخاطبان را نادیده می‌گیرند و به

آنها بی‌احترامی می‌کنند دولت و نهاد‌های خصوصی

باید از فیلمسازان حمایت کنند و با ارائه تسهیلات و

امکانات، زمینه را برای فعالیت آنها فراهم کنند. این

حمایت باید به‌گونه‌ای باشد که فیلمسازان بتوانند به‌صورت مستقل و آزادانه به تولید آثار خلاقانه و نوآورانه بپردازند باید به صورتی عمل کرد که مخاطب را جذب کرد و با سلاقی مردم پیش رفت.

با این تغییر نگرش، می‌توان سینمای ملی را به یک رسانه مردمی و ابزاری برای بازتاب دغدغه‌ها، آرزوها و چالش‌های جامعه تبدیل کرد. سینمایی که نه تنها سرگرم‌کننده است بلکه به تفکر، تعقیق و مشارکت مردم در مسائل مهم کشور نیز کمک می‌کند.

عالمی؛ توسعه سینمای ملی، مستلزم تغییر نگرش و رویکردی اساسی است. در این راستا، لازم است از سینمای دولتی و متکی به بودجه‌های عمومی، به سمت سینمای مردمی و متکی به مشارکت و حمایت جامعه حرکت کنیم. این تغییر نگرش، مستلزم آن است که:

❖ الف) هنرمندان، خود را بخشی از جامعه بدانند؛ هنرمندان باید خود را بخشی از جامعه بدانند و در تولید آثار خود، به نیازها و دغدغه‌های مردم توجه کنند. آنها باید به‌جای آن‌که صرفاً به دنبال بیان دیدگاه‌ها و ایده‌های شخصی خود باشند، تلاش کنند تا با زبانی صادقانه و صمیمی، با مخاطبان خود ارتباط برقرار کنند و پیام خود را به آنها منتقل کنند.

❖ ب) مخاطبان، به سینما به‌عنوان بخشی از زندگی خود نگاه کنند؛ مخاطبان نیز باید به سینما به‌عنوان بخشی از زندگی خود نگاه کنند و از تماشای فیلم‌های ایرانی حمایت کنند. آنها باید بدانند که با خرید بلیت و تماشای فیلم، به اقتصاد سینما کمک می‌کنند و به هنرمندان برای ادامه تولید آثار باکیفیت انگیزه می‌دهند.

❖ ج) دولت، نقش تسهیلگر و حامی را ایفا کند؛ دولت باید به‌جای دخالت در امور سینما، نقش تسهیلگر و حامی را ایفا کند. دولت باید با ارائه تسهیلات و امکانات، زمینه را برای فعالیت هنرمندان و توسعه صنعت سینما فراهم کند.

❖ د) رسانه‌ها، نقش ترویج‌گر و منتقد را ایفا کنند؛ رسانه‌ها نیز باید نقش مهمی در ترویج فرهنگ سینمایی و نقد آثار سینمایی ایفا کنند. آنها باید با معرفی فیلم‌های باکیفیت و برگزاری نشست‌ها و گفت‌وگوها، به ارتقای سطح آگاهی و دانش مردم در زمینه سینما کمک کنند.

❖ ه) رسانه‌ها، نقش ترویج‌گر و منتقد را ایفا کنند؛ رسانه‌ها نیز باید نقش مهمی در ترویج فرهنگ سینمایی و نقد آثار سینمایی ایفا کنند. آنها باید با معرفی فیلم‌های باکیفیت و برگزاری نشست‌ها و گفت‌وگوها، به ارتقای فرهنگ و هویت ملی ایفا کنند.

زهرایی؛ در یک جمع‌بندی، مسیر دستیابی به سینمای ملی بویا و انگذار، مستلزم تحولی بنیادین در رویکردها و نگرش‌های فعلی است. این مهم، فقط با تمرکز بر نیازها و خواسته‌های جامعه، ایجاد فضایی عادلانه و منصفانه برای فعالیت هنرمندان و حمایت بی‌دریغ از استعداد‌های متعدد و متخصص میسر خواهد شد.

ایجاد یک نهاد فرادستی و جامع، به‌عنوان سکندار برای هدایت و سیاست‌گذاری کلان سینما، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این نهاد، با تدوین برنامه‌های راهبردی بلندمدت و ایجاد هماهنگی بین نهاد‌های مختلف، می‌تواند از دوباره‌کاری‌ها و اتلاف منابع جلوگیری کرده و مسیر را برای تولید آثار ارزشمند و ماندگار هموار سازد.

تغییر نگرش و افزایش آگاهی نسبت به کارکرد سینما، به‌ویژه در میان سیاست‌گذاران و متولیان فرهنگی، بسیار ضروری است و اهمیت ویژه‌ای دارد. باید از برخورد‌های سلیقه‌ای و جناحی دست برداشت و با درک عمیق از هنر سینما و زبان تأثیرگذار آن، به تولید آثاری پرداخت که بازتاب‌دهنده دغدغه‌های جامعه باشد و به ارائه راهکارهای عملی برای حل مسائل و چالش‌های پیش‌رو کمک کند.

توجه به نسل جوان، به‌عنوان مخاطبان اصلی سینما، نباید انظر دور بماند. تولید آثاری که با نیازها و دغدغه‌های این نسل سازگار باشد، می‌تواند ارتباط عمیق‌تری بین سینما و جوانان برقرار کرده و آنها را به مشارکت فعال در این عرصه ترغیب کند. بازآفرینی روایت‌های ارزشمند گذشته، مانند دفاع مقدس با زبان امروز و با در نظر گرفتن دغدغه‌های نسل جدید، می‌تواند پلی بین گذشته و آینده ایجاد کرده و ارزش‌های والای انسانی را به نسل‌های بعدی منتقل کند.

در نهایت، سینمای ملی مطلوب، سینمایی است که صدای رسا و صادقانه مردم باشد، آینده‌ای تمام‌نما از واقعیت‌های جامعه بوده و به توسعه و پیشرفت همه‌جانبه کشور کمک کند. امید است با همدلی، همفکری و تلاش جمعی، به این ارمان دست‌یافت و سینمای ایران را به جایگاهی شایسته در عرصه بین‌المللی رساند.